

ذی الحجه 1434 هـ ق
سال اول – شماره نهم

به یاد قهرمان امت؛
شهید حکیم الله محسود

موضوعات:

- حکیم الله محسود، داستان ماندگار!
- در هرهفته بیش از 80 پولیس در افغانستان کشته میشوند
- موسیقی و اثرات منفی آن!
- ایمان (داروی زندگی)
- انتخابات چیست؟

بسم الله الرحمن الرحیم

"يَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتٌ سُودٌ لاَ يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاء"

رواه امام احمد.

ازخراسان، بیرق های سیاهی می برآید، هیچ چیزی جلو این بیرق را گرفته نمیتواند، تاکه به اِیلِیَاء (بیت المقدس) نصب کرده میشود.

ماهنامه لشکر خراسان

شماره نهم ذوالحجه 1434

دراین شماره...

اداریه:

صاحب امتیاز:



آدرس انترنیتی:

www.khurasan.biz

برای انتقادات و پیشنهادات:

Lashkari_khurasan@gmail.com

سرمقالہ:

پیام تبریکی امیر المومنین - حفظه الله - به مناسبت فرا رسیدن عید سعید اضحی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العلمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه ومن والاه و من اتبع هداه إلى يوم الدين ، أمابعد :

فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم "يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ" (سوره الصف 8) صدق الله العظيم . الله أكبر الله أكبر لا إله إلاالله والله أكبر الله أكبر ولله الحمد .

به تمام هموطنان مؤمن و امت اسلامی !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته !

قبل از هرچيز روزهای مبارک عيد سعيد اضحی را به شما ملت مومن و مسلمان ، مبارکباد می گویم ، خدواند متعال عبادات همهء شما خصوصا حجِ حجاج کرام ، ایثار و قربانی های مجاهدین ، شهادتِ شهداء ، اسارتِ اسراء و تکالیفِ زخمی ها را به دربار خویش قبول نماید ، از دربار الله جل جلاله می خواهم که به خانواده های شهداء صبر و اجر عظیم عطاء فرماید ، زندانیان در قید بند را به فضل و کرم خویش آزادی نصیب نموده و به زخمی ها ، شفای عاجل نصیب فرماید و خداوند متعال همه را به قیام نظام اسلامی ، صلح و آرامی مسرور سازد .

برادران مسلمان !

خرسندی شب و روزهای عید اضحی را در حالی تجلیل می کنیم که مسلمانان در کشور عزیزما افغانستان و امت اسلامی در سطح جهان با مشکلات فراوانی مواجه هستند ؛ از یک طرف تجاوزات ، دسیسه ها و مظالم دشمنان بر ضد تمام امت ، جریان دارد ؛ و از طرف دیگر نفاق ، بدبینی ، تفرقه و غداری در بین ملت ، و گیرماندن در منجلاب دشمنان از جمله امراض مهلک و کشنده ای است که به جسم و جان ملت نفوذ کرده است . اجتماع مقدس و عظیم مراسم حج به ما درس میدهد که تبلیغات دشمنان ، افکار شیطانی ، تعصبات قومی ، لسانی ، سمتی ، و مذهبی را از اذهان (خویش) پاک نموده ؛ افکار خودخواهی ، بدبینی و تفرقه را دور نمائیم و تنها زیر شعار مقدس اسلام ، همکاری ، احساس و همدردی خود را باهم دیگرابراز نمایم و تمام نابسامانیها و مشکلات ملت را از این راه حل نمائیم ، بیائید به اسلام (کامل) چنگ بزنیم و بر اساس ارشادات و رهنمودهای اسلام راه نجات واقعی را جستجو کنیم .

مجاهدین راه حق و قهرمانان آزادی !

اولا درنتیجه ء نصرت های بی شمار الله جل جلاله و ثانیا به سبب قربانی ها و ایثارگری های شما و حمایت مستحکم ملت مجاهد پرور، زور وقوت دشمن تجاوزگر شکسته شده است و لحظات فتح بزرگ ان شاء الله

روز به روز نزدیک تر می شود ، شما باید این لحظه های (با شکوه) عید را به شکر الله تعالی و خدمت به ملت خویش سپری نمائید ، تا بیش از پیش مستحق عنایات الهی قرار بگیریم .

توصیهء من به تمام مجاهدین اینست که در مقابل دشمن تجاوزگر مستحکم بایستید ، حملات سخت و سنگینی را بر آنها انجام دهد، ملت مجاهد خویش را هرچه بیشتر به خود نزدیک کنید ، تا به آن هدف عالی برسیم که آن استقلال کشور و ایجاد یک نظام مستقل اسلامی افغان شمول ، متشکل از اشخاص با اهلیت است ، واین همان هدفیست که از سالهای سال ، جهاد مقدس خویش را بخاطر تحقق آن به پیش می بریم .

افغانهای مؤمن !

میخواهم در کنار مبارکی عید اضحی در سلسلهء نابسامانیهای جاری در کشور، چند نکته را بصورت ذیل با شما شریک سازم :

در جریان دوازده سال گذشته ، اشغالگران خارجی خون صدها هزار افغان را به ناحق ریختند ، دها هزار تن دیگر را به زندان انداختند ، قریه ها ، شهرها ، مدارس و مساجد را بمباران کردند ، چندین بار به مقدسات مسلمانان مخصوصا به قرآن کریم بی احترامی نمودند ، معادن و ذخایر مهم کشور ما را چور و چپاول کردند، بر سر ملت ، چنان ادارهء فاقد صلاحیت و بی کفایت را مسلط نموده اند که مقامات بلندرتبهء آن در فساد اداری ، اختلاس ، غصب زمین ، تولید و قاچاق مواد مخدر و فروش جنگلات ، معادن و آثار تاریخی کشور به شکل منظم شریک می باشند؛ این جنایات ، بخشی از پروگرام منظم اشغالگران است ، آنها میخواهند بدین ترتیب برای موجودیت و بقای دراز مدت خویش زمینه سازی کرده و افغانها را به احتیاج دائمی مبتلا سازند ، همچنین در بخشهای فرهنگی، مطبوعاتی و تعلیم وتربیه نیز چنین پروگرام هایی را بکار انداخته اند که ملت را با سقوط معنوی و انحراف فکری گرفتار نمایند .

تمام توجه رسانه های که با پول اشغالگران تمویل میشوند ، براینست تا زیر عنوان حقوق زنان و جوانان ، بی حجابی و کلتور مختلط غربی را بر ملت افغان تحمیل نمایند و آنها را از اصول اسلامی و فرهنگ ملی خویش بیگانه سازند ، از طریق همین رسانه ها ، تنفر و نفاق قومی ، سمتی و لسانی را بین ملت دامن می زنند ، تا اتحاد باهمدیگر را از بین ببرند و بدین ترتیب حضور، بقا و اشغال خویش را دائمی و آسان بسازند .

اشغالگران خارجی و اداره کابل نه اینکه در داخل افغانستان برای تباهی کشور آستین بالا زده اند ، بلکه با امضاء موافقتنامه های استعماری، کشور را در سطح منطقه و جهان ، منزوی ساخته و اسباب تداوم جنگ را مهیا می سازند ، نتیجتا تجاوزگران و دوستان شان باید بدانند که امضاء توافقنامهء استراتژیک ، عواقب بد و وخیمی درپی خواهد داشت ، اگر آنها هراندازه بر روی اینگونه سندها ، مهر تائید لوی جرگه های جعلی و خودساخته را بزنند ؛ اما برای افغانها قابل قبول نیست چراکه در طول تاریخ نمایندگان واقعی کشور و لویه جرگه های حقیقی هیچگاهی اینگونه سندهای غلامی را تائید و امضاء نکرده اند ، و اگر کسی چنین کاری را انجام می دهد ، نمیتوان آنرا لویه جرگه و یا نمایندهء واقعی ملت خطاب نمود ، بناء فیصله های آنها نیز قابل قبول نیست .

برای اینکه مسئولیت دینی ، ملی و انسانی خویش را اداء کرده ، بقاء افغانستان و امنیت منطقه و جهان را تضمین نموده باشیم و سربلندی ، استقلال سیاسی و آزادی ملت را بدست آورده باشیم ، و ملت خویش را از این حالت خطرناک و مصیبت بار نجات داده باشیم ، همه افغانها باید دست به دست هم داده و برای خاتمه دادن به اشغال و

پایان همهء این بدبختی ها ، بد بینی ها و وضعیت شرم آور، تلاشهای مشترک نمایند و برای ایجاد و استحکام یک نظام مستقل اسلامی و افغانی زمینه را مساعد بسازند .

دسیسهء ملت فریبی ، که به نام انتخابات زیر سایهء اشغال در کشور جریان دارد ، هیچگاهی ملت افغان را فریب نخواهد داد ، زیرا چهره هایی در آن فعال هستند که بجای منافع اسلامی و ملی، بیشتر به منافع و مقاصد اشغالگران و شخصی خویش متعهد هستند ، حتی بعضی ها برای دست یابی و رسیدن به قدرت و خرسندی کفار ، تلاش می کنند تا احکام دین مقدس اسلام را تحریف نمایند ، ملت شریف و مردم متعهد ما بخوبی می دانند که چند تن بیگانه پرست ها با سرنوشت آنها بازی می کنند ، در انتخابات نه رای آنها کدام ارزشی دارد و نه شرکت آنها کدام تاثیر و ثمری برای شان خواهد داشت ، پس بناء امارت اسلامی این انتخابات را رد نموده و از ملت می خواهد تا در آن شرکت ننمایند ، زیرا این فقط یک درامه است که اشغالگران برای حصول اهداف خویش به راه انداخته اند . .

آمریکا و دوستانش اصلا به انتخابات باور ندارند ، آنها فقط به نتایج انتخاباتی پا بندهستند که اهداف آنها از آنجا بدست می آید ؛ و زمانی که منافع شان حاصل نشود ، تلاش می کنند تا از طریق سازش ها ، جوامع را از حکومتهای ملی محروم سازند ، و در این زمینه مثالهای زیادی نیز وجود دارد که یک مثال نزدیک و زنده ، انتخابات مصر است ؛ همهء جهانیان شاهد حال هستند که با حکومت منتخب در آنجا چه کردند !؟!

هزاران تن از مسلمانان مصر ؛ آنهایی که از راه های صلح آمیز ، خواهان حقوق مشروع خود بوده وهستند ، با ظلم و وحشت فراوان شهید ، زخمی و زندانی گردیدند ، و این سلسله هنوز هم جریان دارد ؛ و این درحالی است که حکومت های علمبردار دموکراسی (بجای حل بحران مصر) فقط نظاره گر آن وقایع (دلخراش) هستند .

افغانهای غیور!

در این اواخر اشغالگران و دوستانشان در کشور ، تلاشی را آغاز نموده اند که قصد دارند با آن دفاع از حریم اسلامی کشور ، جهاد و مقاومت در مقابل کفار تجاوزگر را یک عمل غیر شرعی وانمود سازند ، توجه و افکار ملت و جهانیان را از اشغال خاک ملت افغان به سوی دیگر جلب کنند ، آنها مبارزه جاری بر ضد اشغال را جنگ داخلی عنوان می کنند و می خواهند آفتاب را با دو انگشت پنهان نمایند ؛ ادارهء کابل میخواهد بوسیله چند تن از چهره های فروخته شده و کنفرانس های نمایشی، برای تجاوز مستقیم و همه جانبهء 49 کشور بر افغانستان توجیهات فاسد تهیه نماید ؛ اما برگزار کنندگان این نوع کنفرانس ها باید بدانند که اکنون ان شاء الله با نصرت الله تبارک و تعالی لحظات پیروزی ملت افغان فرا رسیده است ، که آن شکست تجاوزگران و حاکمیت نظام مستقل اسلامی است ، به همین دلیل تلاشهای بی موجب و ناموفق آنها کدام فایده ای ندارد و اشغالگران نیز باید آگاه باشند که مراکز محدود آنها (در کشور) ، به هیچ صورت قابل پذیرش نیست و در مقابل چنین اقدامات نافرجام ، جهاد مسلحانه قویتر خواهد شد . ملت مجاهد افغانستان لله الحمد اکنون این حقائق را درک کرده و دیگرهیچگاهی شکار دسیسه های شوم دشمنان نخواهند شد ، از این رو ما به تمام کسانی که از اشغالگران حمایت می کنند ، و یا ندانسته در کنار آنها ایستاده اند ، اعلام می کنیم که بیایید و همانند هزاران تن از دوستان خود از حمایت دشمنان دست بردارید و بدانید که آغوش وسیع امارت اسلامی همیشه به روی شما باز است و بجای آنکه در صفوف کفار کشته شوند که در نتیجه دین و

دنیای خود را به باد فنا دهند ، آیا بهتر نیست که در کنار ملت خویش بایستند که هم مرگ و هم زندگی برایشان پر افتخار و با عزت خواهد بود ؟

ما به تمام مجاهدین خود اعلان می کنیم که از طریق علماء کرام ، بزرگان قومی و متنفذین ؛ عساکر اردو ، پولیس و اربکی ها را آگاه سازند که از صفوف کفار جدا شده و بسوی ملت برگردند ، تا در افتخار عظیم تاریخی کشور که همانا استقلال و قیام نظام اسلامی است شریک شوند .

هموطنان مومن !

ما به همه ی افغانها اطمینان می دهیم که امارت اسلامی افغانستان برای حصول استقلال و قیام نظام مستقل اسلامی ، تلاش می کند تا صلح و امنیت سرتاسری ، ترقی و پیشرفت ، عدالت اجتماعی، سپردن کار به اهل آن بدون هیچ نوع تبعیض، نکات اساسی و نقشهء راه آن باشد ، تمام حقوق افراد ملت بصورت درست در سایه آن نظام تضمین گردد ، با تمام منطقه و جهان بالخصوص با همسایه ها روابط حسنه در پرتو رهنمودهای اسلامی و منافع ملی کشور تآمین گردد ، به زیر بناهای اساسی کشور مخصوصا به اقتصاد ، صنعت و تجارت توجه خاص داشته باشد ؛ در مجموع چنین نظامی بر سر کار بیاید که برای پیشرفت معنوی و مادی کشور کار و تلاش کند .

برای ارتباط با جهانیان تنها به دفتر سیاسی امارت اسلامی وظیفه سپرده ایم و اگر در این بخش اشخاصی در هرجای دیگر برای باز نمودن دفتری بنام امارت اسلامی کوشش نمایند، آنها از امارت اسلامی نمایندگی کرده نمیتوانند، و تماس با افراد غیر نماینده، ضایع نمودن وقت است و هیچ سودی نخواهد داشت، همچنین اگر بغیر از سخنگویان رسمی امارت اسلامی و افراد مسئول در دفتر سیاسی، کس دیگری بنام امارت اسلامی، پالیسی امارت اسلامی را بیان می نماید و یا بغیر از دفتر سیاسی اشخاص دیگری با مخالفین تماس برقرار می کنند، و یاهم کسی بنام امارت اسلامی از انتخابات حمایت کند، آنها نمایندگان ما نیستند و نه هم با ما تماس دارند، بلکه اینگونه اشخاص بخاطر کسب شهرت و حصول مادیات چنین کارهایی را انجام می دهند.

در اخیر یکبار دیگر به تمام هموطنان و امت اسلامی از صمیم قلب عید سعید اضحی را تبریک می گویم ؛ و از برادران غنی و سرمایه دار می خواهم که در خورسندی ها و قربانی های این عید ، هموطنان فقیر ، مسکین ، خانواده های شهداء ، زندانیان و افراد محتاج را از کمک ها و مساعدت های خویش فراموش نکنند و در حد امکان با آنها همکاری نمایند ، و برادران مجاهد بیشتر از همه باید با ملت دیندوست ، وطندوست ، غیور و مهربان خویش رفتار نیک ، پرمحبت و همکاری نموده و از نزدیک با انها رفت وآمد داشته باشند و به رهنمایی های سپرده شده درمورد با جدیت عمل نمایند .

والسلام

خادم اسلام (امیر المومنین) ملا محمد عمر مجاهد

۸/۱۲/۱۴۳۴ هـ ق

۱۳/۱۰/۲۰۱۳ م

ایمان یعنی دارو زندگی

بدبختان واقعی کسانی هستند که از گنجینه های ایمان و از سرمایه یقین بی بهره می باشند.

آنها، همواره در ناراحتی و خشم و ذلت بسر می برند. ﴿ وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا ﴾ «هر کس از یاد من روی بگرداند، زندگی تنگی خواهد داشت».

تنها ایمان به پروردگار جهانیان است که انسان را خوشبخت می نماید، وجودش را پاک می گرداند، او را شادمان و مسرور می کند وغم واندوه را از او دور می نماید. در حقیقت زندگی بدون ایمان هیچ مزه ای ندارد. تنها راه ملحدان، برای آنکه خود را از بدبختیها و تاریکیها و فجایع، راحت کنند، این است که خودکشی نمایند. براستی که زندگی بدون ایمان، چه زندگی فلاکت باری است.آنهایی که از آیین الهی و راه او منحرف شده اند، به نفرین همیشگی گرفتارند. ﴿ وَنُقَلِّبُ أَفۡـِٔدَتَهُمۡ وَأَبۡصَٰرَهُمۡ كَمَا لَمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿١١٠﴾ ﴾ «همانگونه که نخستین بار به وحی ایمان نیاوردند، دلها و چشمانشان را دگر گون می کنیم و آنها را سر گشته در گمراهیشان رها می کنیم».

عقل پس از تجربه ای طولانی و دشوار در طی قرون گذشته به این نتیجه رسیده که بت، خرافات است و کفر و الحاد، دروغ و بی اساسند؛پیامبران، صادق هستند؛ خداوند، برحق است و فرمانروایی وستایش، او را سزاوارست و او بر هر چیزی تواناست. بعد از این تجربه وقت آن رسیده که جهان، قاطعانه باور کند که هیچ معبود به حقی جز خداوند نیست.

سعادت وآرامش هر انسانی، متناسب با قوت و ضعف ایمان اوست. ﴿ مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٧﴾ ﴾ «هر مرد و زن مؤمنی، کار شایسته انجام دهد، زندگی پاکیزه ای به او می دهیم و پاداش آنها را بهتر از آنچه می کرده اند، خواهیم داد». زندگی پاکیزه وآرامش خاطر زنان و مردان مومن، به خاطر نوید الهی است؛ آری! این زندگی پاک به خاطر آن است که دلهایشان به سبب محبت پروردگارشان استوار است و ضمیر آنها از آلودگیهای انحراف پاک می باشد؛ بدین ترتیب آنها،هنگام بروز حوادث و فجایع، خونسرد وآرام هستند و از تقدیر راضیند؛ زیرا آنها به اینکه خداوند، پروردگارشان؛ اسلام ،دینشان و محمدص،پیامبرشان می باشد؛ راضی و خوشنودند.

ایمان، بزرگترین دارو

یکی از روانپزشکان برجسته به نام دکتر کارل جایگ، در صفحه **264** کتاب «انسان معاصر در جستجوی آرامش» می نویسد: «در طی سی سال گذشته افراد زیادی از گوشه و کنار جهان برای مشاوره نزد من آمده اند و من، صدها بیمار را معالجه کرده ام. بیشتر این بیماران، نصف دوران زندگی را سپری کرده بودند. یعنی بالاتر از سی و پنج سال سن داشتند و مشکل همه، به این بر می گشت که فاقد پناهگاهی دینی و معنوی بودند که از درون آن، به زندگی بنگرند؛ می توانم بگویم: در مجموع همه آنها بدین خاطر بیمار بودند که از آنچه دین، به مؤمنان می بخشد، بهره مند نبودند و هرکس که ایمان واقعی نداشته باشد، بهبود نمی یابد».

﴿ سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ ﴾ «در دل کسانی که کفر ورزیده اند، به سبب شرکشان به خدا، ترس و هراس خواهیم انداخت».

﴿ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ۝٤٠ ﴾ «تاریکیهایی که برخی روی برخی دیگر قرار دارند؛ هنگامی که دستش را بیرون می کند، نزدیک است که آن را نبیند و هر کسی که خداوند، برای او نوری قرار نداده، نوری ندارد»

یعنی کفر موجب تاریکی ها وسبب عدم نورانیت می گردد ایمان است زندگی انسان را منور ساخته مسرور و خوشحال میگرداند وایمان با اعمال صالحه به انسان فرحت می بخشد وبا اعمال سیئه خفگی در زندگی انسان می آید چنانچه در حدیث شریف آمده است:

« وعن ابی امامة أن رجلا سأل رسول الله صلی الله علیه وسلم مالإیمان قال: اذا سرتک حسنتک و سائتک سیئتک فأنت مؤمن قال: یا رسول الله فمالإثم قال: اذا حاک فی نفسک شئٌ فدعه» رواه احمد

از حضرت ابوامامه رضی الله عنه روایت است که مردی از پیغمبر(ص) پرسید نشان ایمان چیست؟ «آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود چون عمل نیکی که صادر شود ترا خوشحال گرداند و بدی که از تو بوجود آمده سبب اندوهگین وبدحالی تو گردد این وقت مؤمن درست هستی. زیرا که این کار نشانه وجود تصدیق ویقین به خدا و احکام وی جل جلاله است. باز آن مرد عرض کرد یا رسول الله گناه چیست؟ رسول

الله صلی الله علیم وسلم فرمود وقتیکه مشکوک شود درنفس تو چیزی(جواز و عدم جواز آن متردد باشد) پس ترک کن این نشان آنست دروی گناه است یعنی در کردن کاری متردد پیدا شود علامت آنست درین کار چیزی از گناه است.

کتاب: لا تحزن

داروی دل

حضرت ابراهیم خواص رح از جمله صوفیای کرام در درجة ولایت وکرامت مرتبة بزرگ داشت او می فرماید داروی دل پنج چیز است **1** قرآن کریم را با تدبر خواندن **2** شکم را گرسنه نگهداشتن **3** درشب تهجد خواندن **4** در وقت سحر به حضور الله ج گریه وزاری نمودن **5** صحبت صالحین را اختیار نمودن.

تصفیه قلب

علامه ابن خلدون از حوالة طبری رحمه الله وغیره نقل کرده است که از حضرت علی رضی الله عنه یک مرتبه پرسان شد در جنگ جمل وصفین سر انجام کشته شده گان چطور باشند حضرت علی رضی الله عنه به طرف دو فرقه اشاره کرده فرمود (لایموتن أحدٌ من هؤلاء وقلبه نقیٌ إلا دخل الجنة) ترجمه : از آن مردم کدام شخصیکه به صفائی قلب مرده باشد در جنت داخل می شود یعنی آن کسی در قلبش تصفیه از لوث وگناه باشد در بهشت داخل می شود.

(راه رسیدن به الله)

حضرت ابویزید بسطامی رح فرموده است درخوابم یکمرتبه پروردگار خودرا دیدم و پرسیدم یا الله به تو رسیدن کدام راه است ؟ جواب داد شد(اترک نفسک وتعال) نفس خودرا بگذار وبیا یعنی از نفس خود گذشتن وبسوی الله توجه نمودن راه رسیدن به الله ج است

موسیقی و اثرات منفی آن

موسیقی نامی آشناست برای مردم این دوره، و از بزرگترین مصایب و فتنه های این دوران محسوب می گردد. جای گرفتن آن در بسیاری از اشیاء و وسایل زندگی همچون ساعت ها، زنگ ها، اسباب بازی های کودکان، رایانه و تلفن و غیره بیش از پیش بر این بلا و مصیبت دامن زده است، به گونه ای که اجتناب و پرهیز از آن عزمی راسخ و همتی والا می طلبد موسیقی و آلات آن اگر چه امروزه تطور خاصی پیدا کرده، ولی این ابزارها در طی قرن های گذشته نیز وجود داشته است. اگر به تاریخچه ی آن نگاهی کلی بیاندازیم می بینیم این ابزار از گذشته تا حال همراه و همدل فاسقان و فاجران بوده است، مجالس شراب و حکایت عشق و دلدادگی و آواز خواننده ها و خنیاگران و مطربه ها بدون موسیقی معنای چندانی نمی یابد، و از جهت دیگر موسیقی و آلات آن هیچگاه راهنما و هدایت گر بشریت نبوده است، هیچ وقت دعوت پیامبران و صالحان همراه با موسیقی و آلات آن نبوده است، وتربیت شدگان منهج نبوی همیشه از آن دوری می جستند. بدون تردید هر چیزی که اسباب فساد و تباهی را به دنبال داشته باشد شریعت اسلام نیز با آن مبارزه نموده است. و از دلایل تحریم ترانه و موسیقی این فرمودهٔ خدای عزوجل است که می فرماید: { وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ } سورهٔ لقمان – 6

و از مردمان کسانی هستند که خریدار سخنان لهو اند تا مردم «را از راه خدا گمراه سازند»

لهوالحدیث : هر چیزی است که مردم خود را به آن سرگرم میکنند؛ مانند آوازخوانی، موسیقی، افسانهگویی و داستان سرایی ، فیلم ها و سریال های بیهوده عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه - سوگند می خورد که، [هدف و مراد از این آیه غناء و آواز طرب انگیز است همچنین جماعتی دیگر از صحابه مانند :ابن عباس، ابوامامه، عایشه و ابن عمر نیز لهو الحدیث را به موسیقی ساز و آواز، تفسیر کرده اند. بدون شک موسیقی و فیلم ها مستهجن در جهان امروزی سبب گمراهی بسیاری از انسان ها شده و وقت های مفیدی را از انسان ها گرفته، ساعت ها و لحظاتی که می توان برای تلاوت قران و تفکر در آیات خداوند و انجام کارهای مفید سپری کرد صرف خوشگذرانی با موسیقی، آواز و فیلم ها شده است.

و از دیگر دلایل تحریم ترانه و موسیقی حدیثی است که از رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت است که فرمودند: لیکونن من أمتی قوم یستحلون الحر والحریر والخمر والمعازف» در أمت من گروهی خواهد آمد که فاحشهء زنا، أبریشم» برای مردان شراب و آلات موسیقی را حلال می کنند.

همچنین ابوعامر و أبی مالک اشعری - رضی الله عنهما- روایت نموده اند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «گروه هایی از امت من به وجود خواهند آمد که زنا، ابریشم، شراب و ساز و آواز را حلال می پندارند».

انس - رضی الله عنه - می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در این امت خسف و سنگباران و مسخ صورت خواهد گرفت و این هنگامی خواهد بود که شراب بنوشند وکنیز بگیرند و تار و آلات طرب بنوازند».

بعضی از علماء همچون ابن القیم موسیقی را کلید زنا می دانند و بعضی دیگر گوش دهندگان به موسیقی را فاسقان، و شهادت آنها را مورد قبول نمی دانند. اما ناگفته نماند گوش دادن به نغمه و آواز پرندگان و همچنین آوازهای که در وصف طبیعت و امثال آنها سروده شده اند منعی بر شنیدن آن وجود ندارد و می توان در عیدها و مراسم عروسی از آن استفاده نمود.

حکمت از تحریم این پدیده چیست؟

اگر با دقت به مجالس آهنگ خوانی های مبتذل و موسیقی های محرک و کاباره های مشحون از انواع آلات لهو لعب بیاندیشید چه خواهید یافت؟ رقاصه های عریان و بدکاره ای که رذالت و فحشا را به اوج رسانده اند در میان مجلس شراب و می خواری جولان میدهند صدای عربده مستانه و فریادهای جنون آمیز از مستان بر می خیزد کلمات بسیار زشت و بی شرمانه، با کمال بی ادبی بر زبانشان جاری می شود بدون هیچ مرزو فاصله ای مردان وزنان، اختلاط می کنند و شرف و حیثیت خود را زیر پا می گذارند؛ در یک کلام بی بند وباری و فحشا در بدترین شکل ممکن بروز می کند. امروزه جوامع اسلامی را در معرض سیل آهنگ های مبتذل، نمایش های مستهجن و شراب وزن قرار می دهند تا دیگر به ادای وظیفه و امر به معروف یا دعوت به نیکی برنخیزند.

حقیقت موسیقی

تجربه نشان داده است انواع مختلف آهنگها و موزیک ها نه تنها فشارهای روانی را نمی کاهد بلکه برای شخص اعتیاد آور است و او را وارد دنیایی خیالی و خارج از واقعیت می کند قرآن کریم تنها آرامش دهنده روح و روان انسانی را محبت الهی و یاد او می داند که محبوب و مقصود حقیقی است و می فرماید : أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ(الرعد : 48) آگاه باشید که تنها با ذکر و یاد الله قلبها آرامش می گیرد. بدون شک هر چیزی که با این مقصد در تضاد باشد نمی تواند آرامش دهنده حقیقی باشد، هنگام برخورد با طوفان مشکلات و مصایب موسیقی و آوازهای لهو هیچ نوع آرامشی به انسان ها نمی دهد. فریب خورده های و معتادان موسیقی باید بدانند که این آلات در هنگام مشکلات و اضطراب روحی بمثابه مُسکّنی بیش نیست و نمی تواند آرامش دهنده واقعی باشد. اگر نگاهی عاقلانه به غنا و موسیقی داشته باشیم در می یابیم بیشترین استفاده آن در هنگام شادی و سرخوشی است و هر مجلسی موسیقی صدر نشین آن است بسیار کم است که یاد و نامی از الله برده شود.

بیایید بار دیگر، مانند گذشتگان صالح خویش به قرآن و یاد الله رو آوریم و با تلاوت کلام الله خانه ها و مجالس خود را نورانی کنیم، نام و یاد الله را ارامش دهنده دلهایمان قرار داده و از شنیدن موسیقی و ترانها و سخنان بیهوده پرهیز کنیم.

منبع: ماهنامۀ نوار اسلام

هجرت عبدالله بن جحش به مدینه وشهادت آن
(اولین کسی که به امیرالمومنین لقب گرفت)

شخصی که هم اکنون در مورد او سخن می گوییم یکی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است، شخصی که با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رابطهء عمیقی داشت و از نخستین افراد مسلمان بود. او پسر عمه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود چون مادرش امیمه دختر عبدالمطلب و عمهء رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود او همچنین برادر زن رسول الله است چون زینب بنت جحش زوجهء نبی کریم صلی الله علیه وسلم بود که یکی از امهات المومنین است او اولین کسی بود که پرچم اسلام بدست او داده شد و اولین کسی بود که لقب امیرالمومنین به خود گرفت او عبدالله بن جحش اسدی است.

عبدالله بن جحش قبل از اینکه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به دار الارقم برود مسلمان شد بنابراین او از سابقین است.

وقتی هم که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به اصحابش اجازهء هجرت به مدینه را داد تا همراه با دین خود از آزار قریش نجات یابند عبدالله بن جحش دومین کسی بود که به مدینه هجرت کرد چون قبل از او فقط ابو سلمه هجرت کرده بود.

با وجودی که هجرت در راه خدا و جدا شدن از خانه و کاشانه چیز تازه ای برای عبدالله نبود زیرا او و بعضی از افراد خانواده اش قبلاً به حبشه مهاجرت کرده بودند. اما این بار هجرتش با وسعت و گستردگی بیشتری صورت گرفت چون اهل و اولادش و سایر خویشان پدری اش از مرد و زن، پیر و جوان؛ پسر و دختر همگی با او هجرت کردند؛ خانواده اش خانوادهء اسلام بود و قبیله اش قبیلهء ایمان.

به محض اینکه از مکه خارج شدند دیارشان ماتم زده شد و خالی از سکنه ماند. گویا قبلاً هیچ یار و همدمی در آنجا نبوده و کسی در گوشه ای از آن به شب نشینی و گفت و شنود نپرداخته است.

مدتی از هجرت عبدالله رضی الله عنه و همراهانش نگذشته بود که سرداران قریش که در میان آنها ابوجهل و عتبه بن ربیعه هم وجود داشتند، بیرون آمدند تا در نواحی مکه دور بزنند و مسلمانانی را که هجرت کرده اند و کسانی را که باقی مانده اند، مورد شناسایی قرار دهند. چشم عتبه به منازل بنی جحش افتاد که

گردبادها بر آنها می وزیدند و درهای آنها را سخت می کوبیدند. او چنین گفت: سرزمینهای بنی جحش خالی شدند و بر اهلشان گریه می کنند. . .

ابوجهل گفت: اینها که هستند که سرزمینها برای آنها گریه کنند؟! بعد از آن منزل عبدالله بن جحش رضی الله عنه را مورد دستبرد قرار داد و منزلی را که بهترین و غنی ترین آن منازل بود با کالاهایش به تصرف در آورد آن چنان که مالک در ملکش تصرف می کند.

وقتی عبدالله بن جحش از عملکرد ابوجهل با خبر شد آن را با پیامبر صلی الله علیه وسلم در میان گذاشت. نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: آیا نمی خواهی که خداوند بجای آن منزل، قصری در بهشت به تو عطا فرماید؟ گفت: بلی یا رسول الله.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: پس برای تو باد.

عبدالله بن جحش خوشحال شد و آرام گرفت.

عبدالله بن جحش پس از آن همه سختی که در دو هجرتش تحمل کرد؛ هنوز در مدینه مستقر نشده و طعم راحتی را در میان برادران انصارش نچشیده بود که خداوند خواست او را با بزرگترین امتحان در زندگی اش مواجه گرداند و او مشکلترین تجربه را از زمان اسلام آوردنش تا حال کسب نماید. اکنون باید دید که آن قضیهء تلخ و ناگوار چیست؟ اینک به داستان تلخ و ناگوار او توجه کنید:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هشت نفر از میان اصحابش را برای انجام اولین عملیات نظامی که در اسلام صورت می گرفت مامور گردانید. عبدالله بن جحش و سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه هم از جمله این افراد بودند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

من کسی را امیر شما قرار می دهم که از همهء شما تحمل بیشتری بر گرسنگی و تشنگی داشته باشد. بعد از آن پرچم را به عبدالله بن جحش رضی الله عنه داد و او را امیر آنها مقرر کرد او اولین کسی بود که بر گروهی از مسلمین امیر قرار داده می شد.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مسیر عبدالله بن جحش رضی الله عنه را مشخص کرد و به او نوشته ای داد و فرمود: تا زمانی که مسافت دو روز را نپیموده اید آن را باز نکنید. وقتی دو روز راه پیمودند عبدالله نامهء آن حضرت را باز کرد، در آن چنین نوشته بود: ((وقتی که به نوشته ام نگاه کردی برو به

((نخله)) که در میان طائف و مکه قرار دارد و آنجا تحرکات قریش را زیر نظر بگیر و ما را از وضعیت آنها با خبر کن)).

همین که عبدالله نامه را خواند گفت: ((اطاعت می شود)) و بعد به همراهانش گفت:

پیامبر دستور داده به نخله بروم و در آنجا مترصد احوال قریش باشم و از اخبار آنها پیامبر را اطلاع بدهم و فرموده است که کسی را بر این کار اجبار نکنم لذا هر کس می خواهد شهید شود و در این کار رغبت دارد با من همراه شود و اگر کسی دوست ندارد بدون سرزنش می تواند برگردد.

همگی گفتند:

ما از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اطاعت می کنیم و همان طور که دستور داده است ما هم با تو همراه می شویم.

رفتند و رفتند تا به نخله رسیدند و در آنجا در پیچ و خم راهها به جستجو پرداختند تا از قریش اطلاعاتی بدست آورند در همین اثناء قافله ای از دور نمایان شد آنها چهار نفر بودند که با خود کالای تجاری قریش را حمل می کردند، کالاها معمولاً از قبیل پوست و کشمش بود. صحابه با هم به مشورت پرداختند. آن روز هم آخرین روز از ماههای حرام بود آنها به یکدیگر گفتند:

اگر امروز دست به کشتن آنها بزنیم باعث هتک حرمت این ماه شده و خشم همگی اعراب را بر خواهد انگیخت و اگر صبر کنیم تا روز به پایان برسد، آنها خود را به سرزمین حرم می رسانند و از دسترس ما دور می شوند.

بعد از مشورت طولانی همگی اتفاق نظر کردند که به آنها حمله کنند و با کشتن آنها اموالشان را به غنیمت گیرند بنابراین لحظاتی بعد حمله کردند. یک نفر از آنها را به قتل رسانیدند و دو نفر دیگر اسیر شدند و نفر چهارم از دست آنها فرار کرد.

عبدالله و یارانش همراه دو اسیر و اموال آنها به سرعت به سوی مدینه حرکت کردند. وقتی آنها خدمت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم رسیدند و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از ماجرای آنها باخبر شد پیامبر این عمل آنها را به شدت محکوم کرد و فرمود:

من که به شما دستور جنگ نداده بودم فقط گفتم خبری از قریش بگیرید و حرکات آنها را زیر نظر داشته باشید. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن دو را اسیر نگه داشت تا مساله روشن شود و نیز اموال آنها را

به آنها برگردانید. اینجا بود که عبدالله و یارانش حیران و سرگردان شدند و احساس کردند کـه بـا مخالفـت دستور پیامبر، خود را به هلاکت انداخته اند.

ناراحتی آنها زمانی شدت گرفت که برادران مسلمان آنها را به شدت سرزنش می کردند و هر وقـت کـه از کنار آنها می گذشتند روی خود را می گرداندند و می گفتند: اینها خلاف دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل کرده اند. از این سختتر زمانی بود که آنها اطلاع یافتند قریش از این حادثه به نفع خـود بهـره بـرداری کرده و میان قبایل تبلیغات سوء نسبت به پیامبر به راه انداخته اند؛ آنها چنین شایع کـرده بودنـد کـه محمـد صلی الله علیه وآله وسلم ماه حرام را حلال قرار داده و در این ماه دست به خونریزی و غارت امـوال زده و تعدادی را اسیر کرده است. . .

غم و اندوه عبدالله و یارانش که این کار از آنها سر زده بود حد و حسابی نداشت آنها بـیش از حـد از ایـن مشکلی که برای پیامبر پیش آورده بودند شرمنده بودند.

در حالی که ناراحتی بر آنها فشار می آورد و این مصیبت بر آنها سنگینی می کرد ناگهان به آنهـا بشـارت رسید که خداوند از عمل آنها راضی شده و در این مورد آیاتی از قرآن مجید بر پیامبر نازل کرده است.

آنها آن قدر خوشحال شدند که حد نداشت. مردم می آمدند و با آنها معانقه می کردند و تبریک و تهنیتشان می گفتند و آیاتی را که در این مورد بر آنها نازل شده بود تلاوت می کردند.

خداوند این آیات را بر پیامبر نازل فرمودند:

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ). بقره– **217**

((ای پیامبر از تو راجع به جنگ کردن در ماههای حرام سوال می کننـد. بگـو جنـگ در آن گنـاهی بـزرگ است ولی باز داشتن خلق از راه خدا و کفر به خدا و پایمال کردن حرمت حرم خدا و بیرون کردن اهـل حـرم گناه بسیار بزرگتری است و فتنه انگیزی از قتل سختتر است.))

وقتی این آیات کریمه نازل شد رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خوشحال گشت امـوال را پـذیرفت و اسیران را فدیه گرفت و از عمل عبدالله بن جحش راضی شـد زیـرا ایـن غـزوه تحـول بزرگـی در زنـدگی مسلمین بود، این غزوه غنیمتش اولین غنیمتی بود که در اسلام گرفته شد و مقتول آن اولین مشرکی بود کـه بدست مسلمین کشته شد و اسرای آن اولین اسرایی بودند کـه بدسـت مسـلمین افتادنـد و پـرچم آن اولـین

پرچمی بود که بدست رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بسته شد و امیرش عبدالله بن جحش اولین کسی بود که امیر خوانده شد.

پس از مدتی جنگ بدر پیش آمد، در این جنگ هم عبدالله بن جحش به چنان آزمایشی که مناسب ایمانش بود مبتلا شد.

به دنبال آن جنگ احد فرا رسید که در آن عبدالله و همراهش سعد، قصه ای فراموش نشدنی دارند:

سعد بن ابی وقاص می گوید: وقتی جنگ احد پیش آمد عبدالله بن جحش با من برخورد کرد و به من گفت: آیا موافقی با هم دعا کنیم؟

گفتم: آری خوبست.

هر دو به گوشه ای رفتیم و دعا کردیم. دعای من این بود:

((پروردگارا! هنگامی که با دشمن روبرو شدم مردی خشن و جنگجو را در جلوی من قرار بده. من با او مبارزه کنم و او با من و بعد مرا بر او غلبه عطا کن تا او را بکشم و آنچه دارد از او غنیمت بگیرم.))

عبدالله بن جحش بر دعایم آمین گفت و خودش چنین دعا کرد:

بار الها! مردی خشن و جنگجو را در مقابل من قرار بده من به خاطر تو با او بجنگم و او با من بجنگد، سپس او مرا بگیرد و گوش و بینی ام را قطع کند، وقتی من فردای قیامت در بارگاه تو حاضر شوم و تو از من بپرسی که چرا گوش و بینی ات بریده شده؟

در پاسخ بگویم: به خاطر تو و رسول تو قطع شده اند و تو بگویی که راست گفتی)).

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می گوید: البته دعای عبدالله رضی الله عنه از دعای من بهتر بود زیرا در پایان روز او را دیدم که کشته شده و گوش و بینی اش قطع شده بود و آنها را با نخی به درخت آویزان کرده بودند.

خداوند دعای عبدالله بن جحش را پذیرفت و به او درجهء شهادت بخشید همچنان که دایی اش حمزه را به درجهء رفیع شهادت نایل گردانید.

رسول اکرم هر دو را در یک قبر قرار داد، در حالی که اشکهای مبارکش بر خاکهای قبر می ریخت و آن خاکهای آغوشته با عطر شهادت را، تر می کرد.

عملیات موفقانۀ استشهادی در بگرام

الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول الله وبعد:

در این ایام که با گذشت هر روز تاریخ فرار و خروج زبونانه نیروهای اشغالگر صلیبی در اثر رشادتها و ایثارگری های بی دریغ مجاهدین نزدیک و نزدیکتر میشود، سیاسیون امریکا و ایادی وطن فروش، قدرت طلب و بی ایمان افغانی شان مزبوحانه تلاش می ورزند تا سندی را به امضاء برسانند که در نتیجهء آن به ابقای تعدادی از نظامی های عیاش و خون آشام غرب مجال و صبغهء قانونی داده شده و سلسلهء کشتار های بی رحمانهء ملت مسلمان و بی دفاع افغان را طول و استمرار بخشند. و با برگذاری و درامهء انتخابات عوام فریبانهء که خودشان نیز همیشه مکرر به تقلب و عوام فریبی در آن اعتراف و تمسخر میکنند یکی دیگر از وفاداران و سرسپردگان امتحان شدهء خویش را به کرسی پوشالی به اصطلاح ریاست جمهوری کشور نصب و این ملت مظلوم و ستمدیده را بازهم در گردابهای جنگ و نا امنی و خانه ویرانی و فقر مستغرق نگهدارند. زیرا ایجاد و تداوم نا امنی در میان کشور های اسلامی و امت مسلمه مهمترین هدف واصل استراتیژی غرب را تشکیل میدهد. که حتی یک نگاه سطحی در جهان اسلام میتواند بخوبی و وضوح مبین این واقعیت باشد.

مجاهدین راه حق مدبرانه تصمیم گرفته اند تا با تشدید بخشیدن به عملیاتهای کوبنده و ظفر مندانهء نظامی خود به اشخاصیکه هنوز هم جاهلانه امیدوار اند و تصور میکنند که قدرت نظامی غرب قدرتی شکست نا پذیر بوده و می تواند جهاد و مقاومت دلیرانه مجاهدین را که حتی با بستن بم در وجود خویش که دلالت به ایمان و عزم آهنین و شکست نا پذیر شان دارد مانع کوچکترین پیشرفت دشمنان دین را در کشور خود شده اند سرکوب نموده و حکومت مأمون و مصئون را به ایشان هدیه نماید، در عمل ثابت نماید که این نیروهای بز دل و بی ایمان شکست خورده اند. و توان مقاومت در برابر حملات مجاهدین را بکلی از دست داده اند. و حتی در مصئون ترین و بزرگترین پایگاه ها و اده های نظامی خود به تأمین امنیت و حفظ جان خود قادر نبوده و شدیداً آسیب پذیر می باشند. در تمامی ولایات کشور حملات کوبنده مجاهدین چنان شدت گرفته که نقطهء امنی برای این متجاوزین باقی نمانده است.

در سلسلۀ این نوع عملیات، یکتن از استشهادیان حرکت اسلامی ازبکستان بنام حمیدالله ولد شاه مردانقل، بتاریخ (18 اکتوبر سال 2013 میلادی مطابق 13 ذوالحجه 1434 هـ ق) یک کاروان نیروهای امریکایی را در نزدیک میدان هوایی بگرام مورد حملۀ استشهادی قرار داد. در این حمله که با استفاده از واسکت فدایی صورت گرفت، دست کم 15 تن از نظامیان امریکایی کشته و شماری هم زخمی شدند. همچنان در این حملۀ مبارک دو عراده موتر نظامی ایشان نیز ازبین رفت. چند روز بعد از وقوع این رویداد، حملات راکتی مجاهدین نیز بالای این مرکز نظامی وحربی نیروهای ناتو شدت گرفت. شدت این حملۀ فدایی و حملات راکتی سبب شد تا نیروهای امریکایی در مراکز حربی شان خواب آرام نداشته باشند و مقامات بلند پایۀ ناتو نیز به اینجا سفر خاطر جمع داشته باشند. روز نامه گلوبل پست (global post) به نقل از خبر نگار مشهور خود بنام بن برادی (Ben brody) به تارخ 18 اکتوبر سال 2013 خود می نویسد که: خبرنگار مذکور میگوید میخواستم طی پروازی توسط یکی از طیارات نظامی امریکار از دوبی به میدان هوائی بگرام بروم اما بخاطر نا امنی شدیدی که در اثر حملات راکتی مجاهدین بالای میدان مذکور حاکم بود چهار ساعت در دوبی منتظر ماندیم وقتی بعد از یک انتظار چهار ساعته در میان بیم وترس شدید این پرواز صورت

گرفت و به میدان هوائی بگرام رسیدیم مقامات نظامی امریکا به تمامی کسانیکه در این میدان سکونت و یا رفت و آمد دارند اکیداً دستور صادر نموده بود که مکلف هستند بعد از این شبانه روز زره پوشیده و از خود دربرابر حملات پیهم مجاهدین حفاظت کنند و از گشت و گذار های غیر ضروری خود در داخل و خارج میدان شدیداً اجتناب نمایند. که اینها به خلاف تصورات ساده اندیشان فریب خورده و یا تبلیغات فریبکارانهء قدرت طلبان عوام فریب که هنوز هم بخاطر نگهداشتن باداران خود در کشور و بقای خود در پست های دولتی که بیشتر با دوکانهای پر رونق و پر درآمد همانند است مزبوحانه تلاش میکند، به شکست نیروهای متجاوز و عمال ضعیف النفس شان دلالت میکند.

ما به تمامی ملت مسلمان اطمینان میدهیم که ممالک اسلامی ان شاءالله بزودی از لوث صلیبان متجاوز و مزدوران قدرت طلب شان آزاد خواهد شد و حکومت پوشالی که حتی رئیس جمهور و حامیان خارجی اش به فساد اداری، رشوه ستانی، و اختلاس در آن بارها در پشت بلند گوهای بین المللی و رسانه های جهانی اعتراف کرده اند برای همیش نابود و منهدم خواهد شد.

در اینجا استشهادی حمیدالله رحمه الله را به شما مختصراً معرفی مینماییم:

شهید محمد رسول ولد شاه مردانقل مشهور به حمیدالله تقبله الله

شهید حمیدالله باشندۀ شهر تالقان مرکز ولایت تخار نوجوان مهاجر و مجاهد، طالب العلم ذکی و هوشیار، متقی و پرهیز گار، خاشع در برابر پروردگار و متواضع در برابر هر بزرگوار، مشفق بر برادران خوردسال، مطیع والدین و اساتذه، پابند سنت و مستحبات و تارک مکروه و مباهات، مدافع راه حق و پاسدار راستین سنگر جهاد، در اوائل سال 1433 هـ ق به صفوف مجاهدین پیوست، تعلیمات نظامی را در صفوف مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان فرا گرفت، بعد وارد میادین معرکه شد و در اکثر جنگ های افغانستان وپاکستان از خود مردانگی نشان داد. درجوانی و شجاعت یک نمونه، حیاء را به خود عادت و تقوی را وسیلۀ شهادت قرار داده بود. بخاطر رضای پروردگار یکتا استشهاد را اختیار کرد وبه کاروان فدائیان اسلام پیوست. دوسال را در انتظار شهادت بسر برد. بالآخره بتاریخ 13 ذوالحجه 1434هـ ق (روزهای عیدقربان) که همگی مسلمانان با قربانی های مالی خود به خداوند تقرب میجویند، حمیدالله عزیز با قربان کردن جسم وجان خود به الله تعالی تقرب جست و با فدا کردن توته های بدن خود به نعمت والای شهادت نایل گشت. نحسبه کذالک والله حسیبه

از وصیت های شهید:

وصیت ام به برادران مجاهد وبالأخص به رهبران وقومندانان جهاد این است که خون شهداء را فراموش نکنند. صبر، تقوی، خدمت وعزیمت را پیشۀ خود گردانند. در برابر هر طاغوت مبارزه کنند واز هر طاغوت وطاغوت پرستان روی گردانند. در راه حق استوار باشند. و خون شهداء را وسیلۀ رسیدن به قدرت قرار ندهند.

والدینم باید شکر کنند که جگرگوشۀ شان در راه اعلای دین اسلام در عصر فتنه وفساد، قربانی داده است. در عصری که همگی جوانان و نوجوانان دارند بسوی فساد وفحشاء وبدبختی میروند. در صورتی که والیدن به شهادتم شکر کنند البته خداوند مرا وسیلۀ شفاعت ایشان قرار خواهد داد.

عبدالرحمن "روحانی"

شهادت امیر حکیم الله محسود یك ضایع بزرگ به امت اسلامی

روز جمعه بتاریخ **1392.8.10** هـ ش، در نتیجة یک حملة طیاره های بدون سرنشین امریکایی در دند درپه خیل میرانشاه وزیرستان شمالی، امیر صادق، رهبر مجاهدین، قائد میدان، شیر امت، قهرمان جهاد پاکستان، محترم حکیم الله محسود رحمه الله به نعمت والای شهادت نایل گشت. همچنان در این رویداد **3** تن از محافظین امیر صاحب به شمول راننده اش به شهادت رسیدند.

این واقعه پس از آن رخداد که شهید حیکم الله محسود از یک نشست مشورتی بازگشته بسوی خانه اش در حرکت بود.

این واقعه پس دو هفته از بازگشت نواز شریف از سفر واشنگتن رخداد. نواز شریف در یک سفری به واشنگتن رفت و با رئیس جمهور امریکا (باراک اوبا) ملاقات کرد. در این ملاقات در قبال مسایل منطقوی روی تشدید عملیات علیه مجاهدین بحث و گفتگو صورت گرفت.

نواز شریف قبل از سفر به واشنگتن از تحریک طالبان پاکستان خواسته بود تا به مذاکره آماده شوند. حکیم الله محسود نیز در گفتگو با بی بی سی آماده بودن این تحریک را برای مذاکرات صلح اظهار داشته و شرایطی را نیز بخاطر مذاکره وضع کرده بود. بعد از این اظهارات، نواز شریف در یک سفری به واشنگتن رفت و با اباما دیدار کرد و معلوم نبود که اوباما از نواز شریف چه چیزهایی را درخواست نموده بود. واکنون با شهادت امیر حکیم الله محسود آشکار شد که گفتگوی نوازشریف با اوباما روی کدام مسایل صورت گرفته بود.

بعد از به قدرت رسیدن نواز شریف به کرسی صدارت پاکستان این دومین رهبر تحریک طالبان پاکستان است که درنتیجة حملات هوایی به شهادت میرسد.

شش ماه قبل نیز هنوز چندماه از صدارت نواز شریف نگذشته بود که مولانا ولی الرحمن شخص شماره دوم تحریک طالبان در چنین حمله ای به شهادت رسیده بود.

سیاست های دوگانة نواز شریف خیلی خطرناکتر از سیاست هاییست که زردای به پیش گرفته بود. نواز شریف از یکسو دم از مذاکرات صلح میزند و از طرف دیگر از اوباما دستور میگیرد و دست به چنین کارهای مجرمانه میزند.

محمد وزیری کارشناس مسایل پاکستان در یک مصاحبه با بی بی سی گفت: که مقامات پاکستانی از وقوع حملة هوایی بالای آقای محسود با خبر بودند. حالا چگونه به سخنان مقامات پاکستان که همیشه به توقف حملات هوایی تأکید میکنند، باور کرد.

همچنان جاوید کوهستانی آگاه امور نظامی نیز گفته که این حمله با مشورة استخبارات نظامی پاکستان صورت گرفته است. زیرا حکیم الله محسود شخصی است که در طی **4** سال زعامتش با فوج و استخبارات نظامی پاکستان مبارزه جدی نموده است.

و اکنون اظهار تأسف حکومت و استخبارات نظامی پاکستان مبنی بر شهادت آقای محسود یک نوع فریب است که میخواهند با این کار اذهان عامه را تغییر دهند. در حقیقت استخبارات پاکستان از تمامی حملات هوایی که بالای مجاهدین صورت میگیرد با خبر اند.

بعداز شهادت شیخ اسامه بن لادن رحمه الله و کشته شدن چندین دیپلومات امریکایی در پاکستان و کشته شدن **27** عسکر پاکستانی در حملات امریکا، روابط این کشور با امریکا تیره شده بود. و نواز شریف خواست تا این روابط تیره را به نیک و نیکتر تبدیل کند. البته بخاطر برتر شدن رابطه پاکستان با امریکا فعالیتی در این راستا ضروری بود و امریکا از پاکستان خواست تا رهبران تحریک طالبان پاکستانی را از بین ببرد. این بود که بعداز بازگشت نواز، فوج مرتد پاکستانی در وزیرستان شمالی دست به حملات زد و چند روز از حملات نگذشته بود که امیر صاحب حکیم الله محسود به شهادت رسید.

شهادت حیکم الله محسود یک ضایع بزرگ به امت اسلامی بالخصوص به مجاهدین بوده و در آیندة نزدیک انتقام این رهبر صادق امت اسلامی از دشمنان گرفته خواهد شد.

یک روز بعد از شهادت آقای محسود، شورای عالی تحریک طالبان پاکستان در یک نشست مشورتی قومندان خان سعید سجنا را منحیث امیر این تحریک برگزیدند. سجنا قبل از شهادت مولانا ولی الرحمن منحیث قومندان نظامی در این گروه خدمت میکرد بعد از شهادت مولانا جانشین وی شده بود و اکنون شورای رهبری تحریک، وی را در امارت مناسب دانسته به وی دست بیعت دادند.

مقامات بزرگ تحریک طالبان پاکستان در این گردهمایی تعهد کردند که بخاطر انتقام حیکم الله محسود موجی از حملات انفجاری و استشهادی را در آینده نزدیک به راه خواهند انداخت.

حکیم الله محسود پیش از تأسیس تحریک طالبان پاکستان منحیث یک مجاهد فداکار وعادی به مهاجرین و مجاهدین در وزیرستان خدمت مینمود. بعد از شهادت بیت الله محسود در سال **2009** میلادی رهبری این تحریک را به عهده گرفت. و در یک ویدیوی که در آن با استشهادی ابو دجانه خراسانی خدا حافظی میکند، ظاهر شد. در مدت چهار سال، خدمات زیادی را در راستای تحکیم شریعت اسلامی در ممالک اسلامی بالخصوص در پاکستان انجام داد.

اولین کاری که حکیم الله محسود انجام داد، فرستان استشهادی ابودجانه خراسانی بالای مرکز (سی، آی، ای) بود که در آن حمله دست کم **20** تن از مسؤلین (سی، آی، ای) کشته شدند.

بزرگترین کاری که امیر حیکم الله محسود در زمان زعامتش انجام داد، از بین بردن کرنیل امام یکی از بزرگترین عضو استخبارات نظامی پاکستان (آی ایس آی) بود. هنگامیکه کرنیل از سوی افراد این تحریک دستگیر گردید، حکومت پاکستان و استخبارات (آی ایس آی) پول هنگفتی را به هدف رهایی کرنیل امام به حکیم الله محسود وعده کرد. ولیکن آقای محسود تمامی خیانت ها و جرایم این شخص خائن را به امت اسلامی بیان کرد و نه تنها خواست های حکومت را نپذیرفت، بلکه کرنیل امام را به قتل نیز رساند.

کرنیل امام شخصی بود که بعد از جهاد روس علیه مجاهدین در افغانستان از جنگ سرد کار گرفت و ایشان را برضد یکدیگر جنگاند وهمچنان خیانت های بزرگ دیگر را نیز در جهاد پاکستان مرتکب گردیده بود.

خدمات و فداکاری های امیر حکیم الله محسود را در یک صفحه و یا دو صفحه جاگزین کرده نمیتوانیم زیرا حکیم الله محسود بخاطر حماية دین مبین اسلام و نصرت برادران مهاجر خود همة منطقه اش را قربان کرد. و **10** سال اخیر عمر خود را در خدمت به مهاجرین سپری کرد. اما آماده نشد تا یک برادر مهاجر را به فوج پاکستانی و استخبارات (آی ایس آی) تسلیم کند. این است صداقت و فداکاری.

بزرگترین هدف حکیم الله محسود سقوط نظام (سیاسی) پاکستان و اقامة یک نظام شرعی در عوضش بود. به همین علت همیشه بر جهاد علیه فوج مرتد، حکومت و استخبارات نظامی پاکستان تاکید داشت. و با همین هدف عالی زیست، با همین هدف جهاد کرد و با همین هدف از دنیا با نعمت شهادت رحلت نمود. خداوند جل جلاله شهادت این امیر صادق را قبول فرماید. انا لله و انا الیه راجعون

عبدالرحمن "روحانی"

انتخابات و حکم آن چیست؟

انتخابات در نظام دیموکراسی حیثیت ستون فقرات آنرا دارد که هیچ نظامی بدون آن یک نظام دیموکراتیک واقعی خوانده نمیشود. ولی آن انتخاباتیکه طبق اصول دیموکراسی برگذار میگردد در اسلام هیچ جا ندارد. وطوریکه اسلام برای هر بخش زندگی ضوابط واصول مشخص دراد، همچنین برای حکومت و سیاست نیز نظام و اصول خاصی از خود دارد، که بعضی از مشخصات آن بطور ذیل اند:

خصوصیات حاکمیت در اسلام

خصوصیت اول:

حاکمیت یا ولایت در اسلام یک غنیمت ودست آوردی نیست که به هر شکل ممکن باید حاصل شود. بلکه (حاکمیت)و(ولایت) در اسلام یک مسؤلیت سنگین و مکلفیت خطرناکی است که از طرف ملت به آن فردی سپرده میشود که در وجود او شش شرط اساسی امامت موجود باشند. شروط ولایت بر مسلمانان را علمای اسلام قرار ذیل قرار تعیین نموده اند:

شروط ولایت بر مسلمانان

شرط اول- مسلمان بودن:

حاکم باید مسلمان باشد. انسان کافر امیر مسلمانان وزعیم دولت اسلامی شده نمی تواند. هیچ فرد کافری چه یهودی باشد، ویا نصرانی، کمونیست، سیکولر و یاهم پیرو کدام دین دیگری غیر از دین اسلام باشد نمی تواند (ولی الأمر) مسلمانان تعین گردد. الله جل جلا له میفرماید:

(وَلَن يَّجعَلَ اللهُ لِلكَافِرِينَ عَلَى المُؤمِنِينَ سَبِيلاً) سورهٔ النساء/ 141

ترجمه: (هرگزنمی گرداند الله متعال راه غلبه کافران را بر مؤمنان) . وبزرگترین انواع غلبه حاکم بودن وولی الأمر بودن است.

در قرآنکریم همواره باذکر لفظ (أولی الأمر) این قید گذاشته میشود که او باید از جمع مسلمانان باشد، وبر موجودیت این شرط همهٔعلمای اسلام اجماع دارند، وهیچکس درین مورد مخالفت نه نموده است. پس به همین دلیل در اسلام حاکم شدن کافر بر مسلمانان حرام است.

اما در نظام دیموکراسی به (دین)هیچ اعتباری داده نمیشود. وهر کس میتواند خود را برای امارت کاندید نماید، بدون اینکه (مسلمانی) ویا(کفر) او در نظر گرفته شود. بلکه فیصله اتفاقی دنیای کفر امروز عملا در برابر مسلمانان بر این است که هیچ مسلمان صحیح وواقعی نباید در هیچ کشور اسلامی به حاکمیت و امارت برسد. واگر بالفرض به این منصب برسد هر چند از طریق انتخاب هم باشد، باید سقوط داده شود، و به او فرصت تشکیل حکومت داده نشود، که این مثالها در افغانستان، ترکیه، الجزائر و کشور های اسلامی دیگری عملا ومکرراً به مشاهده رسیده اند.

شرط دوم- مرد بودن:

شرط دوم حاکم شدن در اسلام مرد بودن است. زن نباید در اسلام حاکم اعلی باشد. در حدیثی که آنرا امام بخاری، ترمذی، نسائی، وامام احمد بن حنبل(رحمهم الله تعالی) روایت نموده اند آمده است: زمانیکه به پیامبر(ص) اطلاع رسید که مردم ایران قدیم بعد از مرگ پادشاه ایران (کسری) دخترش را حاکم گردانیدند، فرمودند: (لن يُفلَحَ قَومٌ ولّوا أمرهم إمرأة)

ترجمه:(هرگز کامیاب نخواهد شد قومیکه زمام امور شانرا به زنی سپرده باشند)

ولی در نظام دیموکراسی بر عکس اسلام مرد و زن بطور یکسان حق انتخاب شدن و حاکم شدن را دارند، وهمین حکم در قانون اساسی موجود افغانستان نیز به گونه ذیل بیان شده است:

(اتباع افغانستان حق انتخاب نمودن و انتخاب شدن را دارند) که این کار در مخالفت صریح با اسلام قرار دارد.

شرط سوم- بالغ بودن:

شرط سوم بلوغ است، زیر انسان نابالغ مکلف نمی باشد.

شرط چهارم- عاقل بودن:

شرط چهارم حاکمیت عقل است، چون سفیه ودیوانه اهل تکلیف نیست.

شرط پنجم- آزاد بودن:

شرط پنجم حاکم شدن آزاد بودن (حریت) است، زیرا غلام ملکیت و اختیار عملکرد و تصرفات خود را ندارد، چه رسد به دیگران.

شرط ششم- عدل (فاسق نبودن):

شرط ششم زمامداری عدالت است، بدین معنی که حاکم باید فاسق نباشد، هر چند عدهٔ علماء ولایت فاسق را جائز اما مکروه دانسته اند:

خصوصیت دوم:

انتخاب حاکم در اسلام از طرف(اهل حل وعقد) صورت میگیرد، و(اهل حل وعقد) عبارت از مردمان صالح، زبده، عالم، سیاستدان، واهل خبرهٔ جامعه هستند که (مصالح) امت را از (مفاسد) آن تفکیک و تشخیص میکنند، ودر انتخاب حاکم از احتیاط کامل ودقت فراوان کار میگرند. وبعد از انتخاب حاکم توسط آنها افراد امت به منظور ابراز طاعت با او به صورت عموم بیعت می نمایند.

ولی در دیموکراسی حاکم توسط عموم مردم انتخاب میگردد، ودر آمد انتخاب او به کافر، فاسق، مجرم، کم عقل، وجاهل همان حقی حاصل است که یک فرد مؤمن، متدین، صالح، هوشیار، وعالم از آن برخودار است.

در دیموکراسی در امر انتخاب شخصی به صفت حاکم از زاویه صالح بودن و فاسد بودنش نگریسته نمیشود، بلکه تنها هوا دارانش حساب میشوند. وهر کسیکه هوا دارانش بیشتر باشد مسحق حاکمیت شناخته می شود. مثلا اگر یک کاندید رأی(50) تن عالم، مجاهد، صالح وسیاستمدار مجرب را کسب کند، و کاندیدی که در مقابله با او قرار دارد رأی(51) تن از فساق، شرابیها، جاهلان، واوباشان لا ابالی را بدست آرد، در میزان دیموکراسی شخص دوم نسبت به اولی برنده ومستحق حاکمیت شناخته میشود. از همینجاست که فیلسوف شرق علامه اقبال با در نظر داشت همین معیار از جمهوریت(دیموکراسی) درشعر خود بطور طنز آمیز چنین یاد آوری میکند:

متاع معنی بیگانه از دون فطر تان جویی

زموران شوخی طبع سلیمانی نمی آید

گریز از طریق جمهوری، غلامی پخته کاری شو

که از مغز دو صد خر فکر انسانی نمی آید

خصوصیت سوم:

اسلام دین نازل شدهٔ الله جل جلا له است که نسبت به همهٔ نظریات وادیان دیگر بر تر است. نه کدام نظریه و دین دیگری را از خود بلندتر میداند، ونه مساوی با خود. اسلام اتباع خود را دستور میدهد تا با کافران تا آن زمانی بجنگند که فتنهٔ کفر از زمین بر چیده، وکلمهٔالله جل جل له نسبت به همه بلند تر پذیرفته شود. الله متعال میفرماید:

(وَقَاتِلُوهُم حَتَّى لاَتَكُونَ فِتنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلهِ) الأنفال- 29

ترجمه: (وتا زمانی باکفار بجنگید که فتنه از میان برود و دین همه اش از الله شود).

ولی دیموکراسی بر خلاف این باور همهٔ ادیان را با یک نظر می بیند، واسلام را بر کفر بر تر نمی بیند، واز همینجاست که در نظام دیموکراسی به کفار و مسلمانان حقوق و صلاحیتهای انتخابی یکسان داده میشوند، وکافر به سبب کفرش از حاکمیت منع نمی گردد. بلکه بر عکس این دیده میشود که مسلمان بخاطر مسلمانی اش از حاکمیت دور نگهداشته میشود. واینکه دیموکراسی به وجود فرق میان اسلام وکفر قائل نیست، فلهذا این خودش یک نظریهٔ کفری میباشد.

آیا ممکن است اسلام از طریق نظام انتخاباتی نافذ گردد؟

در جهان اسلام شماری از احزاب اسلامی که ازفلسفهٔ سیاسی وفرهنگی غرب گردیده اند، وراه و روش اقامهٔ نظام اسلامی را ازسیرت و منهج رسول الله (ص) نمیگیرند، بلکه میخواهند نظام اسلامی را ازطریق دیموکراسی غرب اقامه کنند، ودرین راه اینها نیز مانند احزاب سیکولر(بی دین) وسائل دیموکراتیک را به کار می اندازند. در انتخابات خود را کاندید میکنند، واز مردم به نام (دین اسلام) رأی می طلبند. این مردم از یکی ازسه حالت ذیل نیستند:

ممکن است اینها دیموکراسی را به صورت درست نمی شناسند. زیرا در نظام دیموکراسی حاکمیت علیا و وضع قوانین حق مردم است، نه حق الله جل جلاله، بدین معنی که در دیموکراسی مردم مختار اند که هر نوع نظام و قانونینی را که برای خود مناسب ومفید میدانند بسازند، در حالیکه در نظام اسلامی حاکمیت علیا وتشریع تنها و تنها حق الله جل جلاله است.

در دیموکراسی فیصلهٔ نهائی از مردم می باشد، نه از الله جل جلاله پس مدعیان تنفیذ اسلام ازطریق دیموکراسی چگونه میتوانند که نظام الله جل جلاله را ازطریق دیموکراسی نافذ نمایند؟

ممکن است که این مردم اسلام را بطور صحیح نمی دانند، اینها مردمان منسوب به علم اسلامی و شریعت هستند، ولی از روح، خواسته ها، وخصوصیت اسلام آگاه نیستند، نه نظام اسلام را میدانند، ونه در رابطه با نظریهٔ حاکمیت در اسلام چیزی را می فهمند. وهمین علت است که فرق میان اسلام ودیموکراسی را نمی فهمند.

حالت سوم شاید این باشد که این مردم خوب میدانند که اسلام و دیموکراسی دو نظام کاملا جدا از همدیگر اند، اما اینکه اقامهٔ نظام اسلامی از آنها جهاد، قربانیها، وتحمل رنجها را مطالبه می نماید، وآنها آماده اینکار نیستند، بلکه تحقق مقاصد و مصالح دنیوی آنها از طریق دیموکراسی بر ایشان آسان جلوه می کند. پس از جهت منافقت، نام اسلام را دیموکراسی می نهند، تا از یک طرف مردم را فریب دهند که گویا اینها احزاب اسلامی هستند، وبرای اسلام کار می کنند، واز جانب دیگر با برگزیدن راه طاغوت با احزاب (سیکولر) به آسانی و بدون تحمل قربانیها در حاکمیت شریک شوند، واز امتیازات حکومتی مانند سیکولرها لذت ببرند وعیش کنند.

ولی شریعت، عقل، تاریخ، و تجربه همه به اثبات رسانیده اند که نظام اسلامی به هیچگونه از طریق انتخابات ودیموکراسی اقامه نمیشود.

مولوی عبدالهادی "مجاهد"

در هر هفته هشتاد پولیس در افغانستان کشته می شوند

روزنامه های چاپ کابل روز چهارشنبه بتاریخ 8 عقرب 1392، در جوار مسایل روز، کشته و زخمی شدن پولیس و عساکر دیگر در سال جاری را تحت بررسی گرفته است.
به نوشتۀ روزنامۀ سرنوشت از سال جاری تا کنون بیش 5670 افغان کشته شدند. مجاهدین نیز در این مدت به شمول 50 حملۀ استشهادی بیش از 6000 عملیات نظامی را براه انداخته اند.
روزنامه در ادامه مینویسد در سال های اخیر تعداد تلفات نیروهای خارجی کم اما در قبال این در تعداد تلفات پولیس، اردو وملیشه های محلی افزایش چشمگیری به میان آمده است.
روزنامۀ محور نیز در شماره روزچهارشنبه خود مینویسد: بیش از هشتاد پولیس در یک هفته در افغانستان کشته میشوند.
به گفتۀ نویسنده سال جاری خونین ترین سال بر عساکر مزدور افغان تمام شد زیرا به باور روزنامه، مخالفین حکومت (مجاهدین) با تکتیک های جدید وارد معرکه شدند.
روزنامه در اخیر سرمقاله اش تأکید به صلح نموده است و از دوطرف درگیرخواسته است تا در جنگ خاتمه بخشند.
اما ما مجاهدین به هیچ وجه جنگ خود را علیه نیروهای خارجی ومزدوران داخلی شان توقف نخواهیم داد تا زمانیکه خواسته های ایمانی ما بر آورده نشود و آن هم اقامۀ نظام اسلامی و آوردن صلح و ثبات در سایۀ شریعت اسلامی.
الحمد لله با گذشت هر روز نیروهای افغان که در این اواخر مسؤلیت های امنیتی بخش های زیاد کشور را از بادارانشان به عهده میگیرند، تلفات میبیند و با مقاومت های شدید پیروان حق روبرو هستند.
هنگامیکه امریکا و ناتو خواست تا مسؤلیت های امنیتی بخش های مهم کشور را به مزدوران شان بسپارند، اینها نیز به ندای بادارانشان لبیک گفته حاضر به تأمین امنیت و مقابله با مجاهدین شدند. و وعده های چربی را به بادرانشان دادند که در مقابل طالبان ومجاهدین به خوبی مبارزه خواهند کرد، اما الحمدلله با گذشت هر روز این عساکر مغرور و فریب خورده شکست میخورند وقربانی میدهند. سال های قبل نیروهای مزدور افغان توان وقدرت داشتند تا تلفات خود را آشکار نکنند. اما در این اواخر نزدیک این مزدوران چنان بی اختیار شدند که حتی قادر به حفظ رازهای شان شوند. و اکنون چنانچه میبینیم همه رسانه ها تلاش میورزند تا تعداد کشته و قربانی های عساکر مزدور افغان را به ملت ارائه نمایند و این از کامیابی هاییست که نصیب ما مؤمنان گردیده است.

"محمود هدایت یار"

حملات طیاره های بدون سرنشین در وزیرستان با مشوره پاکستان صورت میگیرد

روز چهارشنبه بتاریخ 1392.8.8 هـ ش در نتیجهٔ یک حملهٔ طیاره های بدون سرنشین امریکایی در شهر میرانشاه وزیرستان شمالی 4 تن از برادران مهاجر و مجاهد به نعمت شهادت نایل گشتند. این حمله در حالی به وقوع می پیوندد که چندروز قبل نواز شریف صدر اعظم پاکستان در یک سفری به واشنگتن با رییس جمهور آن کشور (باراک اوباما) دیداری داشت. در این دیدار در قبال بعضی مسایل منطقوی روی چگونگی مبارزه و مقاومت در برابر مجاهدین بحث و گفتگو صورت گرفت. پاکستان همیشه ایالات متحده را در مورد حملات طیاره های بدون سرنشین مورد انتقاد قرار داده است. البته این کار پاکستان به معنی ترحم ایشان به مجاهدین نه بلکه بخاطر فریب اذهان مردم پاکستان این افواهات را ارائه مینمایند. وحالاکه همه جواسیسی که در استخبارات نظامی امریکا (سی آی ای) خدمت مینمایند، بیشتر شان افرادی اند که با حکومت و فوج پاکستان رابطه نزدیک دارند. پس چگونه ممکن است کشوری که سالها به این طرف با مجاهدین و مهاجرین میجنگد، اینگونه سخنانی را در مورد حملات طیاره های بدون سرنشین ارائه نماید.

این فقط بازی سیاسی است که حکومت پاکستان با این کار میخواهد از یک طرف جلو همکاری مردم پاکستان را به مجاهدین گرفته و از طرف دیگر توجه کشورهای اسلامی را به خود جلب نماید که گویا حکومت پاکستان در مقابل حملات امریکا عکس العمل نشان میدهد.

در گذشته ها نیز چنین انتقادهای از سوی فوج و حکومت پاکستان در مورد حملات طیاره های بدون سرنشین صورت گرفته بود. اما نه تنها حملات متوقف نگردید بلکه بعد از گذشت یک روز از اعتراض های ظاهری حمله ای در وزیرستان بالای مجاهدین صورت گرفته است.

از طرف دیگر بعد از بازگشت نواز شریف از سفر به واشنگتن، فوج مرتد پاکستانی در وزیرستان شمالی انجام یک حملهٔ نظامی بالای مجاهدین را اعلان نمود و در طی چند روز (کریپی) بالای منازل بعضی از مجاهدین هجوم نموده حتی بعضی از ایشان را به اسارت بردند. واین کار فوج پاکستانی که بعد از بازگشت نواز شریف از واشنگتن صورت میگیرد، نیز نشان دهندهٔ روابط نزدیک حکومت پاکستان با امریکا است.

بعد از وقوع رویدادهای مذکور در وزیرستان شمالی مجاهدین نیز بالای مراکز فوج مرتد پاکستانی حملاتی را انجام دادند که در آنها دست کم 5 عسکر پاکستانی کشته شدند.

"محمود هدایت یار"

حکیم الله محسود، داستان ماندگار!

شبانگاه جمعه (10 عقرب، 1392ه ش) خبر تکان دهندۀ شهادت یکی دیگر از مردان شجاع و حماسه آفرین تاریخ درخشان اسلام در زبان رسانه ها، قرار گرفت ؛ ابتداء عموم رسانه ها بطور مجهول و نا مشخص از شهادت یکی از قوماندانان ارشد مجاهدین در وزیرستان شمالی توسط طیارۀ بی پیلوت آمریکایی خبر دادند ؛ اما پس از لحظاتی آرشیف تصاویر خبری شبکه ها و رسانه های جهان، تصویر حکیم الله محسود امیر محترم تحریک طالبان پاکستان را به نمایش گذاشتند و در بخش خبرهای عاجل خود چنین نوشتند: "حکیم الله محسود رهبر طالبان پاکستان ... !" (إنا لله وإنا إليه راجعون)

آری! این خبر غم انگیز ، قلب بسیاری از مؤمنین و خدا جویان حقیقی را به درد آورد، دیده های بسیاری پُر از اشک گردید، نَفَس هم نفسان برای لحظاتی هرچند کوتاه در سینه ها حبس شد، همسنگران به جستجوی یار پرداختند ، دلباختگان سراسیمه و آشفته حال سراغ امیر را گرفتند، هرکسی چیزی می گفت ، زمزمه های نا مفهوم اما خیلی آشنا شنیده میشد ، دشمنان به یکدیگر تبریک می گفتند، یاران و دوستان نیز به هم تبریک می گفتند ؛ آنها (دشمنان) رفتن امیر را برای خودشان پیروزی تلقی کرده و فُقدانش را ضربۀ بزرگ بر پیکر مجاهدین تصور نموده و به همدیگر شادباش و مبارک باد مبادله می کردند ؛ اما دوستان و یاران امیر شهادت و جاودانگی این اَبَر مرد تاریخ را شایستۀ تقدیر، تبریک و شادباش می دانستند ؛ به هرحال خبر هرچه بود از شهادت امیر حکیم الله محسود رحمه الله و پرواز روح بزرگ وی از جَمع شیران زمین بسوی اسطوره های ماندگار آسمانی حکایت داشت !!!

دشمنان خونخوار و در رأس آن آمریکای جنایت کار با حمله بزدلانه و شبیخون ناجوانمردانه ، به گمان غلط خویش امیر مجاهدین در وزیرستان شمالی – پاکستان را از بین دوستان و هواداران واقعی اسلام جدا کرده و فکر کردند که حکیم الله محسود برای همیشه از صفحه روزگار محو شد و خطری که از سوی وی آمریکا را تهدید می کرد و پُشت دولتمردان متجاوز غرب را به لرزه در می آورد دیگر در جهان نیست ؛ و مجاهدین به مشکل می توانند در کوتاه مدت ، ضایعه فقدان امیرشان را هضم و باور کنند و از شوک وارد شده با مرگ محسود بدَر آیند ؛ اما که کور خوانده و غلط پنداشته اند ؛ با رفتن حکیم الله محسود و امثال وی نه تنها خون در رگ غیرت مومنین و مجاهدین ، رنگ تازه به خود می گیرد بلکه فرزندان به حق اسلام و مدافعین واقعی دین ، مقتدرانه تر از قبل ، عزم ها را جزم ، قلب ها را قوی ، صف ها را متّحد و کارها را کاری

تر کرده و جان ها را طراوت تازه و جانانه می بخشند و به شوق شهادت و حصول رضای حق مشتاقانه تر از همیشه ، سرهای شان را با افتخار تمام ، تقدیم اسلام و راه عزت و آزادی می کنند .

حکیم الله محسود که خدایش از وی راضی باد رفت و در روضۀ رضوان آرام گرفت انشاء الله، او از دنیای فانی رخت بربست ؛ اما در دیار باقی سُکنی گزید ؛ او با شهادتش افتخار آفرید و با افتخارش در قلوب مؤمنین جاویدانه شد ؛ اما راهش ، فکرش ، سلاحش، قدمش، قلمش، آرزویش و مرام و منشش برای یاران و دوستانش بجا ماند ؛ او ، مثل دیگر دلاوران غیور اسلام به کاروان شهداء پیوست ؛ لیکن با خون سرخ خود کلمۀ عزت و آزادی برای اسلام و مسلمین را در تارک تاریخ تسجیل کرد و نیز به نسل نوین امت اسلامی درس عزت و آزادگی داد و إنشاءالله به فضل ویاری خداوند متعال ، محسود ها پیدا خواهند شد که مایۀ افتخار اسلام و بلای جان کفار میشوند .

یادش زنده و راهش پر رهرو باد !

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ..... ثبت است برجریده عالم دوام ما

"محمود احمد نوید"

از صحنه های جهاد

کندز: یک قومندان نیروهای پولیس در چهاردره کشته شد
یکشنبه، 1 ذوالحجه 1434

گزارشات تازه از چهاردره حاکیست که مجاهدین امارت اسلامی یک قومندان پولیس را که به "ولی" مشهور بود، در یک حملۀ چریکی به قتل رساندند.
این حمله حوالی ساعت 6:30 صبح امروز در منطقۀ نهرصوفی ولسوالی چهاردره صورت گرفت.

بدخشان: دریک درگیری در ارگو 17 عسکر دشمن کشته وزخمی شدند
یکشنبه، 1 ذوالحجه 1434
حوالی ظهر دیروز یک درگیری شدید بین پیروان حق وپیروان باطل در ولسوالی ارگو ولایت بدخشان صورت گرفت.
این درگیری که با استفاده از سلاح های سبک وسنگین صورت گرفت، تا حوالی ساعت 8 شب ادامه یافت.
مجاهدین از محل میگویند که در این درگیری 8 سرباز اردوی ملی کشته و 9 تن دیگرشان جراحت برداشتند.

پروان: در یک حملۀ استشهادی در نزدیکی میدان هوایی بگرام 15 اشغالگر کشته شدند.
جمعه،13 ذوالحجه 1434
امروز حوالی ساعت 1:30 بعد از ظهر یک کاروان نیروهای امریکایی در نزدیک میدان هوایی بگرام مورد یک حملۀ استشهادی قرار گرفت.
این حمله از سوی یک جوان استشهادی حرکت اسلامی ازبکستان بنام "حمیدالله باشندۀ شهر تالقان مرکز ولایت تخار" با استفاده از واسکت فدائی صورت گرفت.
به گفتۀ گزارشگران جندالله از محل رویداد در این حملۀ موفقانه 15 تن از عساکر اشغالگر کشته و شماری هم زخم برداشتند.

یمن: در یک حملۀ استشهادی 18 سرباز یمنی کشته وزخمی شدند.
شنبه، 14 ذوالحجه 1434
گزارش ها از یمن میرسانند که دیروز یک حملۀ استشهادی یک مرکز نظامی نیروهای یمن را در ولایت جنوبی ابیَن مورد هدف قرار داد.
در این عملیات مؤفقانه که توسط موتر انفجار صورت گرفت، 12 سرباز یمنی کشته و 6 تن دیگر جراحت برداشتند.

در نتیجۀ یک کمین در غوربند دوتانک ازبین رفته و 7 عسکر افغان کشته شدند
دوشنبه، 16 ذوالحجه 1434
گزارشات تازه از ولایت پروان میرساند که حوالی ساعت 4:00 عصر دیروز در نتیجۀ یک کمین پیروان حق در ولسوالی غوربند این ولایت دو تانک نیروهای افغان از بین رفته و 7 عسکر اردوی ملی در آن کشته شدند.

این حمله زمانی رخ داد که مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با همکاری مجاهدین امارت اسلامی افغانستان درنتیجهٔ انفجار ماین جاسازی شده یک تانک نیروهای مزدور افغان را از بین بردند. بعد از این انفجار تانک دومی را مورد هدف راکت (آر پی جی) قرار دادند که در آن نیز یک تانک نیروهای افغان از بین رفت.
تعداد کشته شده گان عساکر دشمن در این دو حمله به 7 تن رسیده است.
نا گفته نماند که در این دوحمله به پیروان حق هیچ نوع آسیبی نرسیده است.
این حملات در حالی به وقوع می پیوندند که سه روز قبل درنتیجهٔ حملهٔ استشهادی یک مجاهد فداکار حرکت اسلامی ازبکستان در نزدیکی میدان هوایی بگرام 15 اشغالگر کشته شدند.

زابل: در یک حملهٔ استشهادی در قلات 8 عسکر مزدور کشته و 4 تن دیگر زخم برداشتند
یکشنبه، 22 **ذوالحجه** 1434
گزارشات تازه از قلات مرکز ولایت زابل میرساند که یک حمله کنندهٔ استشهادی، نیروهای اجیر را در شهر قلات مورد هدف قرار داد.
این حادثه حوالی ساعت 5:00 عصر دیروز توسط برادر استشهادی "حبیب الله" زمانی صورت گرفت که عساکر مزدور افغان در مقابل دفتر یکی از قومندانان شان برای تلاشی جمع شده بودند.
در این عملیات موفقانه 8 عسکر مزدور افغان کشته و 4 تن دیگر شان جراحت شدید برداشتند.

کابل: 6 مامور وزارت دفاع در یک انفجار بمبی کشته شدند
یکشنبه، 22 **ذوالحجه** 1434

حوالی ساعت 6:30 صبح امروز یک موتر نوع کاسر مأمورین وزارت دفاع در منطقهٔ احمدشاه مینه شهر کابل مورد هدف انفجار ماین قرار گرفت.

در نتیجهٔ این انفجار نیرومند، 6 تن از مامورین وزارت دفاع کشته و چندین تن دیگر زخم برداشتند. همچنان از تخریب موتر مذکور نیز خبر داده شده است.

کابل: شجاعت ایمانی یک پولیس دلیر، جان دو اشغالگر را گرفت
یکشنبه، 22 **ذوالحجه** 1434

حوالی ساعت 7:00 صبح دیروز یک جوان دلیر وبا احساس، در غرب شهر کابل در فرقهٔ قرغه بالای نیروهای ناتو آتش گشود. در نتیجهٔ این آتش باری دو عسکر امریکایی کشته و یکتن دیگر زخم برداشت.

جوان دلیر اجمل نام دارد و باشندهٔ ولسوالی سپین غر ولایت ننگرهار میباشد که آتش احساساتش جان دو اشغالگر را گرفت.

سلام بر شما دلیران و قهرمانانی که با احساسات ایمانی و وجدانی درس عبرتی برای عساکر اشغالگر دادید. وایشان را از کاری که کردند وازپولی که به عساکر افغان میدهند پشیمان کردید.

وزیرستان جنوبی: سه فوج پاکستانی در یک انفجار کشته شدند

یکشنبه، 22 ذوالحجه 1434

مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان گزارش داده اند که درنتیجهٔ انفجار یک ماین جاسازی شده در منطقه لاده در مربوطات وزیرستان جنوبی سه فوج پاکستانی کشته شدند.

این عساکر پاکستانی زمانی کشته شده اند که در حالت پیاده به ماینی که از سوی مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان جاسازی شده بود، برخورد کردند.

کندز: ملیشه های محلی با دادن 6 کشته و 4 زخمی از قلعهٔ زال فرار کردند

دوشنبه، 23 ذوالحجه 1434

مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان از ولسوالی قلعهٔ زال ولایت کندز خبر داده اند که جنگی که از مدت 5 روز به این طرف در مناطق جنغارک وچارگل ادامه داشت، حوالی ظهر امروز با کشته شدن 6 ملیشهٔ محلی و زخمی شدن 4 تن ایشان به پایان رسید.

ملیشه های محلی 5 روز قبل به هدف بیرون راندن مجاهدین، حملات بزرگی را در مناطق مذکور به راه انداخته بودند. در این حملهٔ بزرگ تعداد ملیشه های محلی به 200 تن میرسیدند. اما با وجود زیاد بودن تعداد، با مقاومت های شدید مجاهدین که عدد شان از 30 بالا نبود، روبرو شدند. پیروان حق مدت 5 روز علیه ملیشه های محلی با دست خالی و به نصرت الهی مقاومت نمودند.

بالآخره پیروان باطل با دیدن ضربات سنگین از دست مجاهدین دست به فرار زدند و مناطق مذکور را کاملا ترک کردند.

اکنون مناطق مذکور در تحت کنترول مجاهدین قرار دارد و همچنان قابل ذکر است که در جنگ 5 روزه هیچ نوع آسیبی به پیروان حق وارد نگردیده است.

عذاب الهی در نورستان دو پولیس را کشت و نه تن دیگر را منتظر مرگ کرد

دوشنبه، 23 ذوالحجه 1434

شب گذشته یک الماسک نسبتًا نیرومند در منطقهٔ کوردل ولایت نورستان رخ داد. درست این الماسک به مردم ملکی تلفات وارد نکرد. اما به اذن الهی یک پوستهٔ امنیتی نیروهای مزدور افغان مورد حملهٔ این الماسک قرار گرفت که درنتیجهٔ این رعد وبرق دو پولیس مزدور کشته و 9 تن دیگر شان زخمی شدند که زخمی شده گان این حادثه در شفاخانه ها منتظر مرگ اند.

این یک حادثهٔ طبیعی نیست که اینچنین اتفاق بیفتد بلکه یک نوع عذاب الهی است که خداوند بالای دشمنانش میآورد. در گذشته ها نیز اینچنین عذاب های الهی بالای قوم سرکش می آمد وایشان را به قعرخود فرو میخورد.

فاریاب: نیروهای مزدور افغان از پوسته هایشان فرار کردند

سه شنبه، 24 ذوالحجه 1434

مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان از ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب گزارش داده اند که پیروان حق پوسته های امنیتی نیروهای مزدور افغان مورد حملات موشکی و فیر هاوان- 82 قرار داده اند. شدت این حملات سبب شد تا نیروهای مزدور دو پوستهٔ امنیتی شان را ترک گفته دست به فرار زنند.
تاکنون از تعداد تلفات این رویداد معلومات در دست نیست ولیکن دو پوستهٔ امنیتی کاملا فتح گردید.

تندباد نیرومند در بریتانیا و چند کشور دیگر اروپا دست کم ده کشته برجا گذاشت

سه شنبه، 24 **ذوالحجه** 1434

رسانه ها گزارش داده اند که در نتیجهٔ یک تندباد نیرومند در بریتانیا و چند کشور دیگر اروپایی دست کم ده تن کشته شدند. به گفتهٔ مقامات اروپایی در حال حاضر حدود 270 هزار خانه در جنوب انگلستان و ایالت ویلز بی برق اند.
سرعت این تند باد یک صدو شصت کیلومتر در ساعت میباشد و تاکنون برخی مناطق بریتانیا را مورد هدف قرار داده است.
این تند باد که حدود یک صد و شصت کیلومتر در ساعت سرعت داشت، برخی مناطق بریتانیا را هدف قرار داد.
در این حادثه، چهارتن در بریتانیا، سه تن در آلمان و سه تن دیگر در کشور های هالند، دنمارک وفرانسه جان سپردند.
بخاطر احتمالات خطر سرازیر شدن سیلاب، پروازها وسفرهای ریل متوقف شده است.
به گفته مقامات بریتانیائی این طوفان در یک دهه گذشته در بریتانیا بی سابقه بوده است.

گرد آورنده: عبدالصبور شاکر

مجاهـــــد

مجـاهـد ای مجـاهـد ای مجـاهـد
غـرور کفـر را بـشـکـن مـجـاهـد
شریعت را تو حـاکـم کـن به عالـم
بلـنـد کـن بـیـرق اسـلام مـجـاهـد

زمین پرشد ز کفروظلم وعصیان
نصاری و یـهـود کـردنـد طغیان
فـلـسـطـین سـتـم دیـده نـدا کـرد
بـیـا تـوسـوی اقصی ای مـجـاهـد

تـویـی مؤمـن تـویـی مـحـبـوب اللّه
حیات و مـرگ تـو هـست بـهـر اللّه
تـو جـنـداللّه بـرزمـی بـهـــــر اللّه
تـو را جـنـت بـود مـنـزل مـجـاهـد

خـدای ذوالـجـلال اسـت نـاصـر تـو
مـلائـك هـم بـجـنـگـد در صف تـو
ز بـهـــر عـــزت دیـــن مـبـیـنـت
سـرطـاغـوت را بـشـکـن مـجـاهـد
فـدای حـق نـمـودی جـان شـیـریـن
زتوشد سـرنـگـون اعـدای ایـن دیـن
تـوعـزت مـنـد شـدی درهـردوعـالـم
بـلند گـشت شـوکـت وشـأن مـجـاهـد

طریق محو هرظالم جهاد است
علاج کافر وطاغوت جهاد است
توثابت باش که این راه رسول است
شدی تو پاسبان حق مجاهد

بلرزند کافران از هیبت تو
بترسند دشمنان از غیرت تو
پریشان گشته امریکا و ناتو
زضرب آهنینت ای مجاهد

تو فرزند علی، فاروق وسلمان
تو را وصفی است در آیات قرآن
غبار فی سبیل اللّه مبارك
ببوسم خاك پایت ای مجاهد

ابوسلمان "مدنی"

The Army Of Khurasan



از شما و از وسایل تان بیزاریم